برگردان: لعل زاد
لندن، اگست ۲۰۲۴

مرز/سرحد دیورند در درازی تاریخ، از ۱۸۹۲ تا ۱۹۳۶

(اسناد محرم)

دفتر خارجی و سیاسی حکومت هند[۱]:
مکوناچی[۱]: چکیده امور افغان از فبروری ۱۹۱۹ تا سپتمبر ۱۹۲۷ (جلد اول)، سیمله، ۱۹۲۸
دنداس[۱]: چکیده امور افغان از نیمه ۱۹۲۷ تا پایان ۱۹۳۶ (جلد دوم)، دهلی جدید، ۱۹۳۸

توافقنامه دیورند و اهمیت آن

ص ۱۷۴ (فصل هفدهم، جلد اول)
دلایلی که دولت هند را به پیشنهاد فرستادن هیأت دیورند به کابل وادار کرد، در مراسله شماره ۱۵۵ آن‌ها در ۱۶ آگست ۱۸۹۲ آمده است.

این مراسله مواردی را نشان می داد که در آن امیر عبدالرحمن نفوذ خود را در میان قبایلی گسترش می داد که حکومت هند آن ها را در حوزه نفوذ خود می دانست.

«او هرگز در تلاش خود برای زیر سلطه درآوردن قبایل مستقلی که در بین افغانستان و هند قرار دارند، آرام نگرفت و با هشدارهای ما در این زمینه به گونه سرپیچی رفتار کرد».

یکی از وظایف مأموریت دیورند تعیین حد برای این تجاوزات و دیگری «اطمینان دادن به امیر در مورد سوراخ کردن کوجک و گسترش خط راه آهن به چمن جدید بود».

اهمیت خط دیورند که با توافقنامه دیورند بدست آمد، ماهیت منفی داشت تا مثبت. این توافقنامه حدودی را بیان کرد که حکومت هند و امیر توافق کردند که از آن خارج نشوند:
«حکومت هند هیچ وقت در سرزمین‌های ماورای این خط در سمت افغانستان و والاحضرت امیر هیچ وقت در سرزمین‌های فراتر از این خط در سمت هند مداخله نخواهند کرد».

با این حال، زبان موافقتنامه کاملاً «دوجانبه» نبود. زیرا در حالی که خط دیورند "سرحد شرقی و جنوبی قلمروهای والاحضرت" را تشکیل می داد، در هیچ جایی نگفته بود که این خط مرز هند را نیز تشکیل می دهد. درست است که ماده ۵ از قرارگرفتن «قرارگاه گواشا در قلمرو برتانیه» صحبت می کند، اما منطقه مورد بحث در جوار چمن است، جایی که نواری از قلمرو «مستقل» وجود نداشت و اداره برتانیه به مرز افغان رسیده بود.

در نتیجه، توافقنامه دیورند هیچ مسئولیت مثبت برای حفظ نظم در شرق و جنوب خط بر عهده حکومت هند قرار نداده بود؛ و حتی در نظر گرفته شده بود که امیر باید در مجازات قبایل شرق خط که در قلمرو او مرتکب تخلف می شوند، آزاد باشد:

«ما به این فکر نمی‌کنیم که وظیفه‌ی ما است تا قبایل وزیری را زیر کنترول دقیق نگه داریم، یا اگر رفتار آنها باعث انتقام‌گیری شود، از آنها در برابر پیامد اعمال شان محافظت کنیم. قبایل وزیری ممکن است در حال حاضر در موقعیت مشابه افریدی ها قرار گیرند که اگر به قلمرو امیر حمله کنند، ممکن است توسط امیر مجازات شوند، اما با این درک که او [امیر] هیچ بخشی از قلمرو آنها را برای همیشه اشغال نمی کند».

در واقعیت، قبایلی در بین خط دیورند و مرز زیر اداره برتانیه در محدوده هند تلقی نمی شدند:

«قبایل مستقل که در بین افغانستان و هند قرار دارند».

و سر اچ دابز از "تعهد شفاهی" صحبت می کند که می دانم سر مورتیمر دیورند به عبدالرحمن داده است که ما تلاش نمی کنیم تا خط دیورند اداره کنیم».

مسئله «اصلاحات» پس از جنگ سوم افغان

پس از جنگ سوم افغان، چندین پیشنهاد از سوی افسران محلی برای گنجاندن موادی در شرطنامه صلح برای «اصلاحات» در سرحد هند و افغان در نقاط مختلف ارائه شد.

(۱). در چترال – معاون سیاسی گفت:

«من عمیقاً اطمینان دارم که حکومت امکان نگهداری حداقل ساحل چپ رودخانه باشگل را در شرطنامه صلح در نظر خواهد گرفت، زیرا در غیر این صورت، شیخ های دوست [ما در] کامدیش احتمالاً مجبور خواهند شد که به چترال مهاجرت کنند... همچنان غیرقابل عبوربودن باشگل یک مرز دفاعی عالی برای چترال خواهد بود».

کمیشنر ارشد صوبه سرحد شمالغرب پس از مشورت با حکومت هند، پاسخ داد:

"با اشاره به پیام مهتر در مورد چترال... به او هیچ امیدواری برای افزایش سرزمین ندهید... به نظر می رسد که چنین چیزی ممکن نیست".

(۲). در سیستان – قونسل تلگراف داده بود که "آیا چنین کنترولی شامل گنجاندن بخشی از سیستان افغانی به سیستان پارسی می شود یا خیر، زیرا ثروت و قدرت سیستان پارسی را بسیار افزایش می دهد"، پاسخ دریافت کرد:

"در مذاکرات صلح با افغانستان، طرح هیچ موضوعی در مورد سیستان توسط حکومت هند در نظر گرفته نشده است".

(۳). در شوراوک – نماینده فرماندار کل بلوچستان نوشت:

«در صورت در نظرگرفتن هرگونه اصلاحات در مرز افغانستان... من امیدوارم حکومت هند با ترتیب برخی اصلاحات در مرز ما در جوار شوراوک، اهمیت تامین امنیت در برابر حملات را نادیده نگیرد».

(۴). این درخواست ها در پیشنهادهای اصلاحي بر مبناهاي استراتژيك از سوي رئیس ستاد کل گنجانده شده بود:

(الف). پیشبرد خط در خیبر، طوری که بساول و دکه شامل شود؛

(ب) الحاق خوست؛

(ج) الحاق نوار بزرگی از شمال چمن به پایین که شامل دره‌های زراعتی جت گوتی و شوراوک می‌شود.

سر اچ گرانت در بحث در باره این پیشنهادات خاطرنشان کرد:

«هیچ چیزی در مورد اینکه کدام ملت ها به گونه عام و افغانستان به گونه خاص حساس‌تر در اشغال سرزمین اند، وجود ندارد. تاریخ پر از نمونه‌ی جنگ های است که دلیل آن «اشغال» بوده است.

ضمن قدردانی کامل از ملاحظات راهبردی مطروحه، بنا بر دلایل سیاسی باید به شدت از هرگونه تقاضای سرزمین در مذاکرات آتی، جز اصلاح کوچک سرحد ما در مجاورت لندی کوتال، صرفنظر شود».

سر اچ دابز نوشت:

«من شک ندارم که هم احساسات افغانی و هم احساسات اسلامی از هرگونه الحاق سرزمین که اکنون توسط ما در نتیجه فشار نظامی و دپلوماتیک و تهدید انجام شود، بدون شکست کامل افغانستان در جنگ، عمیقاً خشمگین خواهند شد... من به اندازه کافی در گفتگو با سران قبایل در اینجا شنیده ام که آنها از هر الحاقی خشمگین می شوند... به نظر نمی رسد که امیر شکست خورده باشد، اما او پس از اولین برخورد سپاهیانش با انگلیس ها، حماقت خود را درک نموده و توبه کرده است».

این دیدگاه ها پذیرفته شد.

خط دیورند در معاهده کابل ۱۹۲۱

جدا از اشاره به علامه‌گذاری خیبر، ماده پنجم معاهده راولپندی به شرح زیر است:

«حکومت افغان سرحد هند و افغان را که امیر مرحوم پذیرفته بود، می پذیرد» و

ماده دوم معاهده کابل:

"دو طرف عالی متعاهد متقابلاً سرحد هند و افغان را که توسط حکومت افغان مطابق ماده پنجم معاهده راولپندی پذیرفته است، می پذیرند".

مفاهیم دقیق این مواد موضوع بحث قابل توجهی بوده است. سر اف همفریس در "مراسله معاهده" چنین استدلال کرد که ماده اول این معاهده، که در آن حکومت افغان ضمانت احترام به استقلال برتانیه را همراه با ماده دوم (نقل شده در بالا) تضمین می‌کند، «تعهد مطلق... برای خودداری از مداخله در قلمروی قبایل خارج از مرزهای خود را ارایه کرده است».

از طرف دیگر، آقای پیرز این را در نظر گرفت که

«خواست ها عبارتند از:

(الف) یک بیانیه صریح در معاهده جدید که:

(۱). سرحد شرقی و جنوبی قلمرو اعلیحضرت امیر از واخان تا مرز پارس باید از خط نشان داده شده در نقشه ضمیمه این معاهده پیروی کند.

(۲). حکومت اعلیحضرت برتانیه هیچ وقت در سرزمین هاي خارج این خط در سمت افغانستان مداخله نخواهد کرد و اعلیحضرت امیر هرگز در سرزمین هاي خارج این خط در سمت هند مداخله نخواهد کرد.

(ب) عزم یا قاطعیت ما برای نادیده نگرفتن یا چشم پوشی از هرگونه تلاش یا دخل و تصرف ... از سوی حکومت افغان... برای طفره‌روی از مواد دقیق و روح گزاره مندرج در (الف).
سرهنگ همفریس جدول اصالت مواد اول و دوم توافقنامه دیورند را از طریق معاهده ۱۹۰۵ و معاهده راولپندی [۱۹۱۹] تا معاهده امروز [۱۹۲۱] دنبال کرده است. این سه "نسل" را دربر گرفته است و با هر "نسل"، روزنه/خلاهای جدید طفره‌روی برای افغان ها باز شده است».

نماینده فرماندار کل در بلوچستان توافق کرد که پرداخت کمک هزینه افغان ها به قبایل ما و دعوت از افراد قبایل ما به جرگه های افغان، نقض مواد اول و دوم معاهده است.

کمیشنر ارشد صوبه سرحد در نظر گرفت که جرگه های جلال آباد در ۱۹۲۳ "احتمالاً دیدگاه حقوقی را تشکیل می دهد" که نقض مواد اول و دوم معاهده است.

این پرسش در بخش قانونگذاری حکومت هند مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه‌گیری آقای م. شفیع این بود:

«به نظر من روشن است که امیر افغانستان از اعمال "دخالت در سرزمین های" واقع در سمت هندی خط دیورند منع شده است... پرسش واقعی این است که آیا سه اقدامی که سرهنگ همفریس در بند ۷ (۳) اشاره کرده است... از مراسله او به منزله «مداخله در سرزمین های» مورد نظر توسط امیر، به معنای بند دوم موافقتنامه ۱۸۹۳ است... در این شرایط، اگرچه این ادعا که اقدامات مورد اشاره سرهنگ همفریس، بنا به دلالت ضروری، نقض ماده دوم معاهده ۱۹۲۱ همراه با بندهای مختلف توافقنامه قبلی است که به آن اشاره شده است، امکان پیشرفت وجود دارد، با این حال من معتقدم که از همه جهات توصیه می شود که موضوع در شرایط نامحدود موجود باقی نماند، بلکه مواد اول و دوم معاهده ۱۹۲۱ باید چنان گسترش یابد که این موارد را صریحاً در حیطه اختیارات معاهده جدید قرار دهد».

تفسیر کنونی توافقنامه دیورند

بیانیه های اخیر حکومت هند، در مقایسه با زبان مراسله ۱۵۵ سال ۱۸۹۲، پیشرفت قابل توجهی را در دیدگاه آنها در مورد پیامدهای توافقنامه دیورند نشان می دهد.

آن توافقنامه قبایل را «مستقل» گذاشت:

«قبایل مسلما آزاد و در قلمروی مستقل اند و این در روزنامه خود شما آمده است».

برای پاسخگویی به چنین استدلال است که واژه «مستقل» در عباراتی مانند «سرزمین مستقل» و «کمربند مستقل» اکنون رسماً با واژه «قبیله‌ی» جایگزین شده است.

سر دی بری در سخنرانی خود در ۵ مارچ ۱۹۲۳ اظهار داشت که افغانستان و هند اکنون در امتداد خط دیورند در کنار یکدیگر قرار دارند و هیچ قلمروی مداخله‌ی، مانند آنچه در مراسله ۱۵۵ حکومت هند در ۱۸۹۲ ذکر شد، وجود ندارد. افزود برآن، برخلاف نظر

بیان شده در آن مراسله مبنی بر اینکه هیچ افزایش فوری در مسئولیت حکومت هند برای کنترول قبایل در توافقنامه دیورند دخیل نخواهد بود، این بیانیه وجود دارد:

«با اصرار بر عدم مداخله در حوزه ما، لزوماً پذیرش مسئولیت جرایمی که از آن در افغانستان صورت می‌گیرد، پیش می‌آید... اما اگر این اصل ارزش داشته باشد، نباید از مسئولیت خود شانه خالی کنیم؛ زیرا از زمانی که ما توافقنامه دیورند را برای بهتر یا بدتربودن امضا کردیم،، وجود دارد».

این موضوع در ۱۹۲۵ مورد بحث قرار گرفت، وقتی سر اف همفریس در مراسله‌ی که ارزش معاهده کنونی را از دیدگاه افغان ها بررسی می کند، نوشت:

«به نظر می رسد که انصراف از معاهده حاضر، اگر به نوعی با تجدید مواد معاهده همراه نباشد، وضعیت سیاسی کمربند مستقل را که در بین هند برتانیه و افغانستان قرار دارد، به عاملی موثری از برخورد و سوئ تفاهم در حال حاضر تبدیل می کند. زیرا در اینجا بحث تقدس یک مرز اداری دی فکتو در بین دو دولت مستقل نیست، بلکه به رسمیت شناختن رسمی یک حوزه نفوذ انحصاری است که حکومت افغان ممکن است استدلال کند تا کنون با یک معامله ضمنی به دست آورده است».

از سوی دیگر، دولت هند مدعی شد که «خط دیورند طبق قوانین بین‌المللی باید مستقل از معاهدات ۱۹۲۱ یا ۱۹۱۹ تضمین شود». «مرز مشخص شد، حقوق مالکیت سرزمینی و صلاحیت قضایی تایید یا تکمیل شد و کار دیگری بر اساس معاهدات (آنهایی تا ۱۹۱۹ منعقد شده بودند) نمی توان انجام داد. جنگ ۱۹۱۹ تاثیری بر آنها نداشته است.

(اما با توجه به نامه سر اچ گرانت در ۸ اگست ۱۹۱۹، احتمالاً توضیح این موضوع برای حکومت افغان دشوار خواهد بود که بیان می کرد:

«این جنگ تمام معاهده‌های قبلی را لغو کرده است»؛
در حالی که قابل توجه است که در مذاکرات معاهده راولپندی، این حکومت هند بود که خواستار «تأیید مجدد خط دیورند توسط امیر جدید» شد).

حکومت هند در ادامه گفت:

«همان گونه که سر فرانسیس همفریس اشاره می کند، ممکن است برخی از مشکلات ناشی از استفاده از اصطلاح "حوزه نفوذ" در توافقنامه ۱۸۹۳ باشد. اما حتی در توافقنامه ۱۸۹۵ کلمات استفاده شده عبارت بودند از «ما... از طرف حکومت های متبوع خود مامور شدیم تا خط مرزی در بین قلمروهای حکومت هند و والاحضرت امیر افغانستان را تعیین کنیم». به همین ترتیب، در معاهدات ۱۹۱۹ و ۱۹۲۱، کلمات استفاده شده عبارت بودند از «سرحد هند و افغان مورد قبول امیر مرحوم» و «سرحد هند و افغان که توسط حکومت افغان پذیرفته شد». افزود بر این، ماده یازدهم معاهده ۱۹۲۱ و نامه شماره ۴ ضمیمه آن، از قبایل سرحد در دو سوی خط مرزی با شرایط یکسان صحبت می کند و از آنجا که افغانستان ادعا نمی کند که قلمرو اشغال شده توسط قبایل سرحدی در سمت مرز او قلمرو افغانستان نیست، او نمی‌تواند ادعا کند – و هم قرار نبود شک و تردیدی موجود باشد – که قلمرو طرف ما هند نیست. هر قدر هم که کنترول اداری، مثلاً در وزیرستان، سست باشد، ایجاد ایستگاه های نظامی، پاسگاه ها، ارتباطات و اعلام قصد ما برای ایجاد ترتیبات عواید، نشانه روشنی از قصد معاهده است که قلمرو طرف ما در جانب خط دیورند باید به عنوان بخشی از هند تلقی شود، نه یک کشور خارجی مستقل که ما با آن صرفا روابط ویژه داریم. در واقعیت، خط دیورند بیش از ۷۰۰ مایل، مرز در بین افغانستان و بلوچستان را تشکیل می دهد، جایی که اداره برتانیه موثر و کامل است. بنابراین، مشکلی که سر فرانسیس همفریس احساس می کند، بیشتر تاریخی است تا عملی».

خط دیورند [نتیجه‌گیری]

ص ۱۵۷ (جلد دوم)

فصل هفدهم کتاب سر ریچارد مکوناچی اهمیت و تفسیر توافقنامه دیورند تا ۱۹۲۷ را مورد بحث قرار می دهد. قبایلی که در بین خط دیورند و مرز زیر اداره برتانیه زندگی می کردند در ۱۸۹۲ به عنوان "قبایل مستقل" نامیده می شدند که در بین افغانستان و هند قرار داشتند و سر اچ دابز در ۱۹۱۹ از "تعهد شفاهی که سر مورتیمر دیورند به عبدالرحمن داد، مبنی بر اینکه ما تلاش نمی کنیم تا خط دیورند اداره کنیم" صحبت کرد. کلمه "مستقل" در عباراتی مانند "سرزمین مستقل" و کمربند مستقل اکنون به گونه رسمی با "قبیله‌ی" جایگزین شده است و سر دنیس بری در یک سخنرانی در ۵ مارچ ۱۹۲۳ اظهار داشت که اکنون افغانستان و هند بدون قلمرو مداخله‌ی، مانند آنچه در ۱۸۹۲ ذکر

شد، همسایه یکدیگر اند. از موارد دیگری که این اصل به گونه برجسته بیان شده است، عبارتند از بیانیه سر آستین چمبرلین به شاه امان الله در لندن در ۱۹۲۸ و تأیید مجدد وزیر افغان بر پذیرش این موقف در رابطه با خط دیورند که در ۱۹۳۵ به وزیر اعلیحضرت در رابطه با امور مهمند داده شد. نگرش کنونی حکومت هند که به حکومت افغان توضیح داده شده است و حکومت هند معتقد است که حکومت افغان آن را پذیرفته است، این است که قبایل طرف برتانیه در خط دیورند مستقل نیستند و حکومت هند این حق را دارد که تا خط دیورند را در مواقعی که لازم بداند، اداره کند».

سرحد در ۱۹۳۲ مجدداً در منطقه دوکالیم-آرنوای علامه‌گذاری شد. پیشنهادی برای طرح مسئله علامه‌گذاری در قلمرو مهمند در ۱۹۳۵ کنار گذاشته شد. موضعگیری در رابطه به مرز پیوار همان گونه است که در فصل بیست و یکم کتاب سر ریچارد مکوناچی توضیح داده شده است.

هیچ مشکل دیگری که بتواند در این فصل گنجانده شود، در طول دوره مورد بررسی به وجود نیامده است.

---

۱. چکیده حوادث/امور افغان ها از فبروری ۱۹۱۹ تا سپتمبر ۱۹۲۷ توسط مکوناچی (دفتر خارجه و سیاسی حکومت هند) شامل پنج دوران [از مرگ امیر حبیب الله (۲۰ - ۲ - ۱۹۱۹) تا معاهده راولپندی (۸ - ۸ - ۱۹۱۹)، از معاهده راولپندی (۸ - ۸ - ۱۹۱۹) تا کنفرانس میسوری (۲۴ - ۷ - ۱۹۲۰)، از پایان کنفرانس میسوری (۲۴ - ۷ - ۱۹۲۰) تا سفر هیآت برتانیه از افغانستان (۴ - ۱۲ - ۱۹۲۱)، از سفر هیآت برتانیه از افغانستان (۴ - ۱۲ - ۱۹۲۱) تا آغاز اغتشاش خوست و اغتشاش خوست و پس از آن (۱ - ۴ - ۱۹۲۴ ــ ۳۰ - ۹ - ۱۹۲۷)]، ۳۷ فصل و ۴۴۳ صفحه و چکیده حوادث/امور افغان ها از نیمه ۱۹۲۷ تا پایان ۱۹۳۶ توسط دنداس (دفتر خارجه و سیاسی حکومت هند) [جلد دوم] شامل چهار دوران (از نیمه ۱۹۲۷ تا اغاز ۱۹۲۹، از شورش دسمبر ۱۹۲۸ تا اکتوبر ۱۹۲۹، از تخت نشینی نادرشاه در اکتوبر ۱۹۲۹ تا قتل او در ۸ نومبر ۱۹۳۳ و سه سال اول سلطنت ظاهرشاه)، ۲۶ فصل و ۳۵۸ صفحه است که عمدتا دربرگیرنده معاهدات و مشکلات مرزی/سرحدی افغانستان در آن دوران ها است که با امضای معاهده ۱۹۲۱ و تایید مجدد آن با شاه ولی خان در ۱۹۳۰ در لندن، حل شده است.

کسانی که علاقمند مسایل مرزی/سرحدی و به ویژه جنجال های امروزی بر سر معاهده دیورند اند، باید این دو رساله را مطالعه نمایند که فشرده‌ی آن در مورد خط دیورند از ۱۸۹۲ تا ۱۹۳۶ برگردان و تقدیم دوستان شده است.

SECRET.

A PRÉCIS ON AFGHAN AFFAIRS

FROM FEBRUARY 1919 TO SEPTEMBER 1927.

COMPILED BY

R. R. MACONACHIE,

FOREIGN AND POLITICAL DEPARTMENT,

GOVERNMENT OF INDIA.

SIMLA
GOVERNMENT OF INDIA PRESS
1928

PRECIS ON AFGHAN AFFAIRS

VOLUME II

From the middle of 1927 to the end of 1936

Compiled by

A. D. F. DUNDAS,

Foreign and Political Department,
Government of India

NEW DELHI: PRINTED BY THE MANAGER
GOVERNMENT OF INDIA PRESS: 1938